



Theorizing an Indigenous Model of People-Centered Crisis Management in the Islamic Republic of Iran

Yadollah Sadeghi

Assistant Professor, Department of Infrastructure and Production, Strategic Research Institute, Tehran, Iran.

Email: Pardis.farandishan@gmail.com

Abstract

The growing frequency of natural disasters and the increasing complexity of emerging crises have intensified the need to reconsider conventional crisis management models. In this context, the Islamic Republic of Iran, as a country with a high risk of natural hazards, requires a model that, in addition to utilizing institutional capacities, is grounded in popular foundations and social networks. Adopting a theoretical–applied approach and an explanatory case study method, this research seeks to develop and explicate an indigenous model of people-centered crisis management within the intellectual and social framework of the Islamic Republic. Data were collected from the field experiences of intermediary circles (“halqeh-haye miyani”) in three cases: the Khoy earthquake, the Sistan and Baluchestan flood, and the Aleppo earthquake in Syria, and analyzed through the grounded theory approach. The findings reveal that the people-centered crisis management model in the Islamic Republic is structured around four main stages: foresight and preparedness, crisis onset, field management, and post-crisis reconstruction. At each stage, the intermediary circles play a pivotal role as the connecting link between the people and the government. The results indicate the emergence of novel theoretical components such as “field-based democracy in crisis,” “linking circles as inter-level actors,” and “intelligent decision-making based on social participation.” This model can be regarded as a step toward developing an indigenous theory of crisis management within the framework of the Islamic Republic.

Keywords: Crisis Management – Intermediary Circle – Islamic Republic – Theorization – People-Centered





سال چهارم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۶۲-۹۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

مقاله پژوهشی

نظریه پردازی الگوی بومی مدیریت مردم محور بحران ها در جمهوری اسلامی ایران

یداله صادقی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه زیربنایی و تولیدی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران، ایران
Email: Pardis.farandishan@gmail.com

چکیده

افزایش بلایای طبیعی و پیچیدگی بحران های نوپدید، ضرورت بازاندیشی در الگوهای متداول مدیریت بحران را دوچندان ساخته است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری با ریسک بالای حوادث طبیعی، نیازمند مدلی است که علاوه بر بهره گیری از ظرفیت های نهادی، بتواند بر بنیان های مردمی و شبکه های اجتماعی استوار گردد. این پژوهش با رویکردی نظری-کاربردی و بر پایه روش مطالعه موردی تبیینی، در پی تکوین و تبیین الگوی بومی مدیریت مردم محور بحران ها در چهارچوب نظام فکری و اجتماعی جمهوری اسلامی است. داده ها از بررسی تجربیات میدانی «حلقه های میانی» در سه موقعیت زلزله خوی، سیل سیستان و بلوچستان و زلزله حلب سوریه استخراج و با رویکرد «نظریه پردازی زمینه ای» تحلیل شده است. یافته ها نشان می دهد که الگوی مدیریت مردم محور بحران در جمهوری اسلامی، مبتنی بر چهار مرحله اصلی شامل: پیش نگری و آمادگی، آغاز بحران، مدیریت میدانی و بازسازی پس از بحران است که در هر مرحله، حلقه های میانی به عنوان پیوند میان مردم و حاکمیت، نقشی کلیدی دارد. نتایج حاصل، بیانگر شکل گیری مؤلفه های نظری تازه ای همچون «مردم سالاری میدانی در بحران»، «حلقه های پیوندی به مثابه کنشگران بین سطحی»، و «تصمیم سازی هوشمند بر مبنای مشارکت اجتماعی» است. این مدل، می تواند به عنوان گامی در جهت نظریه پردازی بومی در حوزه مدیریت بحران در نظام جمهوری اسلامی تلقی گردد.

کلیدواژه ها: مدیریت بحران، حلقه میانی، جمهوری اسلامی، نظریه پردازی، مردم محور

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات پژوهشی مختلف، ایران در بین کشورهای جهان از نظر آسیب‌پذیری در برابر مخاطرات طبیعی در رتبه‌های بالا قرار دارد. در گزارش‌های مربوط به شاخص ریسک جهانی^۱ که شامل ارزیابی کلی از خطرات طبیعی و میزان آمادگی کشورهای مختلف برای مقابله با آن‌ها است، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای با ریسک بالا معرفی شده است.^۲

ایران یکی از زلزله‌خیزترین کشورهای جهان است. این کشور بر روی چندین گسل فعال قرار دارد و به‌طور مرتب زلزله‌های با شدت‌های مختلف را تجربه می‌کند. بر اساس مطالعات و داده‌های جهانی، ایران در فهرست کشورهای دارای بیشترین خطر زلزله، در میان ۱۰ کشور اول جهان قرار دارد (مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی، ۱۳۹۸). این کشور به دلیل تنوع اقلیمی و جغرافیایی، به‌ویژه در فصول بارانی، مستعد بروز سیل‌های بزرگ و ویرانگر است. سیلاب‌های ناگهانی به‌ویژه در مناطق شمالی و غربی کشور رایج هستند. ایران در فهرست کشورهای آسیب‌پذیر در برابر سیل نیز در رتبه‌های بالا قرار دارد (سازمان هواشناسی ایران، ۱۳۹۷). در کنار آن، خشکسالی یکی از مشکلات مزمن و چالش‌برانگیز در کشور است که در سال‌های اخیر به دلیل تغییرات اقلیمی و مدیریت نادرست منابع آب، شدت یافته است. ایران به‌عنوان یکی از کشورهایی که بیشترین آسیب را از خشکسالی‌های طولانی‌مدت دیده است، در رتبه‌های بالای جهانی قرار دارد (مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران، ۱۳۹۹).

با حاکم بودن چنین شرایطی در کشور، استفاده از ظرفیت‌های مردمی ضرورتی بیش‌ازپیش پیدا می‌کند. مردم به‌عنوان اولین واکنش‌دهندگان در مواقع بحران، می‌توانند نقش مهمی در ارائه کمک‌های اولیه و نجات جان افراد ایفا کنند. این کمک‌ها در لحظات ابتدایی بحران، زمانی که نیروهای امدادی ممکن است به دلیل محدودیت زمان و مکان نتوانند به‌موقع به محل حادثه برسند، بسیار حیاتی است (زارعی، ۱۳۹۸). با مشارکت مردم در عملیات امداد و نجات، می‌توان از فشار کاری بر نیروهای امدادی کاست و به آن‌ها اجازه داد تا به‌صورت

1. World Risk Index

2. World Risk Index 2021, United Nations University



متمرکزتر و کارآمدتر عمل کنند (علیپور، ۱۳۹۹). ساکنان بومی هر منطقه، اغلب دارای دانش و تجربه‌ای ارزشمند درباره محیط زیست و خطرات محلی هستند که می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر در مدیریت بحران کمک کند (نوری، ۱۳۹۸). همچنین مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری، منجر به افزایش دقت و جامعیت برنامه‌ها و سیاست‌های مدیریت بحران می‌شود (عباس زاده، ۱۳۹۷). در این صورت می‌توان اذعان داشت که افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های مرتبط با مدیریت بحران تحقق می‌یابد، زیرا مردم به‌عنوان یک نیروی کم‌هزینه و مؤثر می‌توانند در فعالیت‌های مختلف مشارکت داشته باشند (میرزایی، ۱۳۹۹).

با این وجود، مسئله درست از آنجا آغاز می‌شود که اگرچه مشارکت مردم در مدیریت بحران، از عوامل اساسی در کاهش خسارات ناشی از بلایای طبیعی و حوادث غیرمترقبه است؛ اما این مشارکت در بسیاری از کشورها با موانع و چالش‌های متعددی روبه‌رو است. برخی از این موانع اصلی مشارکت مردم در مدیریت بحران عبارت است از:

❖ فقدان آموزش‌های مناسب؛ بسیاری از افراد جامعه به دلیل کمبود برنامه‌های آموزشی

در زمینه مدیریت بحران، از مهارت‌ها و دانش کافی برای مقابله با بحران‌ها و یا مشارکت در مدیریت شرایط بحرانی، برخوردار نیستند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۷).

❖ آگاهی ناکافی از خطرات؛ نبود اطلاعات کافی درباره خطرات و تهدیدات محیطی

منجر به عدم آمادگی مردم برای مشارکت در مدیریت بحران می‌شود (عباسی، ۱۳۹۶).

❖ عدم اعتماد به مدیریت بحران دولتی؛ نبود شفافیت و عملکرد ناکارآمد نهادهای

دولتی در مدیریت بحران‌های گذشته، باعث کاهش اعتماد عمومی و مشارکت مردم

می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۸).

❖ تجربه‌های منفی گذشته؛ تجارب ناموفق از مدیریت بحران در گذشته، به کاهش

انگیزه مردم برای مشارکت در تلاش‌های آتی منجر می‌شود (حسینی، ۱۳۹۹).

❖ عدم دسترسی به اطلاعات به‌روز؛ نارسایی در سیستم‌های اطلاع‌رسانی و عدم

دسترسی به اطلاعات به‌روز در زمان بحران، باعث عدم آگاهی به‌موقع و در نتیجه

کاهش مشارکت مردم می‌شود (رستمی، ۱۴۰۰).



- ❖ فقدان کانال‌های ارتباطی مؤثر؛ نبود کانال‌های ارتباطی مؤثر و شفاف بین دولت و مردم در طول بحران‌ها، منجر به قطع همکاری و کاهش مشارکت عمومی می‌شود (منصوری، ۱۴۰۰).
 - ❖ فقدان فرهنگ همکاری؛ در برخی جوامع، نبود فرهنگ همکاری و مشارکت جمعی، به‌عنوان مانعی برای مشارکت مردم در مدیریت بحران شناخته می‌شود (میرزاوند، ۱۳۹۷).
 - ❖ تفرقه و ناهماهنگی اجتماعی؛ ناهماهنگی‌ها و اختلافات اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف، مانعی برای ایجاد یک همکاری مؤثر در زمان بحران است (دهقانی، ۱۳۹۸).
 - ❖ فقر و مشکلات اقتصادی؛ وضعیت اقتصادی ضعیف و فقر می‌تواند باعث کاهش توانایی مردم برای مشارکت در مدیریت بحران و آمادگی برای مقابله با آن شود (رضایی، ۱۳۹۹).
 - ❖ نبود منابع مالی کافی؛ کمبود منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی و زیرساخت‌های مدیریت بحران، به کاهش مشارکت عمومی می‌انجامد (علیپور، ۱۴۰۰).
 - ❖ عدم وجود برنامه‌های مدون مشارکت عمومی؛ نبود برنامه‌های مدون و سازمان‌یافته برای جلب مشارکت مردم در مدیریت بحران، به کاهش حضور و مشارکت آن‌ها منجر می‌شود (نوری، ۱۳۹۸).
 - ❖ نبود هماهنگی میان نهادهای مرتبط؛ نبود هماهنگی و همکاری مناسب میان نهادهای مختلف در مدیریت بحران، باعث سردرگمی و کاهش مشارکت مردم می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۹).
- بنابراین پرسش آن است که با توجه به شرایط ویژه کشور به‌عنوان یکی از کشورهای بحران‌خیز جهان از یک‌سو و وجود مشکلات متعدد در جلب مشارکت‌های مردمی در



مدیریت بحران از سویی دیگر، جمهوری اسلامی چه الگویی را می تواند برای ارتقا و بیشینه سازی مشارکت آحاد مردم در مدیریت بحران ها ارائه نماید؟

۱. مبانی نظری

مدیریت بحران دارای چرخه ای است که از چهار مرحله تشکیل شده است:

❖ مرحله پیش از بحران

۱. مرحله پیش بینی: این مرحله اولین مرحله از مراحل چرخه مدیریت بحران است که مدیر بحران با جمع آوری اطلاعات، به پیش بینی پرداخته و قبل از وقوع غافلگیرانه بحران، خود به استقبال آن می رود.

۲. مرحله پیشگیری: به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می شود که شامل شناسایی، شناخت و تحلیل مخاطرات، آسیب پذیری ها، الزام به کارگیری مدیریت کاهش خطر در تدوین برنامه و بودجه بخش های توسعه ای، تعیین راهبردها و اولویت های بخش های گوناگون، تدوین و اجرای برنامه های کاهش خطر حوادث و سوانح در کشور است (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸). پس از پیش بینی بحران باید تلاش کرد مانع از وقوع آن شد. در مرحله پیشگیری از بروز بحران ها جلوگیری می شود یا حتی الامکان از شدت وقوع آن ها کم می شود.

۳. مرحله آمادگی^۱: مجموعه تدابیر و اقداماتی است که ظرفیت جامعه و دستگاه های مسئول را برای پاسخ مؤثر به حوادث و سوانح افزایش می دهد به طوری که خسارت انسانی و مادی ناشی از آن به حداقل برسد (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸). اگر با وجود اقدامات پیشگیرانه نتوان مانع از وقوع بحران شد، باید برای کنترل بحران و به حداقل رساندن خسارات، خود را آماده نمود.



❖ مرحله شروع بحران

در بیشتر الگوهای مدیریت بحران، مراحل بحران به سه مرحله قبل، حین و پس از بحران محدود می‌شود؛ اما باید در نظر داشت که ۲۴ ساعت اول بحران، ویژگی‌ها و اقتضائات خاص خود را دارد که ضرورت پرداختن به این مقطع زمانی به‌صورت مجزا را مطرح می‌سازد.

۱. مرحله هشدار^۱ و مصونیت^۲: در این مرحله از گروه مدیریت بحران انتظار می‌رود با به‌کارگیری سامانه‌های هشداردهنده و مراکز اطلاع‌رسانی خود و مهم‌تر از همه رسانه‌های جمعی، جامعه را از خطرات احتمالی آگاه سازد.

۲. مرحله ارزیابی مقدماتی و بسیج منابع: در این مرحله باید برآوردی اولیه از سطح و شدت بحران ارائه شده و بر اساس آن، به بسیج تمام منابع انسانی و غیرانسانی اقدام نمود.

۳. مرحله پاسخ‌گویی سریع^۳: مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی است که با وقوع حادثه آغاز شده و شامل هشدار سریع، تخلیه، تأمین امنیت و نظایر این‌ها، متناسب با ویژگی‌های هر بحران است (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸). عده‌ای، این مرحله را یکی از گام‌های مرحله حین بحران می‌دانند؛ حال آنکه طراحان مدل چرخشی شکل مدیریت بحران معتقدند برخی اقدامات عاجل و اضطراری مانند کنترل شایعات، باید در همین قسمت و به‌صورت آنی انجام شوند.

❖ مرحله حین بحران

۱. مرحله امداد و نجات^۴: گروه مدیریت بحران در این بخش، به یاری آسیب دیدگان و بحران زدگان می‌شتابد.

-
1. Alarm
 2. Immunity
 3. Rapid Responsiveness
 4. Rescue



۲. مرحله عملیات ویژه^۱: این مرحله متعلق به زمانی است که بحران از کنترل مدیریت عادی بحران خارج می‌شود و نیروی ویژه اوضاع را دست گرفته و به اقدامات عملیات ویژه اقدام می‌کند.
۳. مرحله مهارسازی^۲: اساساً هدف مدیریت بحران، مهار و فرونشاندن بحران است. به عبارتی نتیجه عملیات ویژه باید به مهار شدن بحران و عوامل بحران‌زا بینجامد.

❖ مرحله پس از بحران

۱. مرحله بازیابی: این مرحله که پس از مهار بحران و کنترل اوضاع شروع می‌شود، دلالت بر مجموعه اقداماتی دارد که به عادی‌سازی شرایط می‌انجامد.
۲. مرحله بازسازی: به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می‌شود که برای ترمیم و بهبود خدمات و ساختارها، معیشت، توانمندی و شرایط زندگی جوامع متأثر از حوادث و سوانح انجام می‌شود، به نحوی که موجب ارتقای توانایی و ظرفیت آن‌ها در جهت کاهش خطر حوادث آتی شود (قانون مدیریت بحران، ۱۳۹۸). اولین گام در بازسازی، پاک‌سازی محیط بحران از هرگونه شواهد و علائم دال بر بحران است. از این مرحله همچنین با عنوان مرحله ترمیم، بهبود، توان‌بخشی و توسعه مجدد نیز یاد می‌شود.
۳. مرحله یادگیری: آخرین مرحله از مدیریت بحران است که علی‌رغم اهمیت بسیار بالای یادگیری، مورد غفلت واقع می‌شود؛ به همین خاطر، بحران در یک شکل و قالب دیگر پس از مدتی دوباره بروز می‌یابد (روشندل اربطانی، ۱۳۸۸).

۲. حلقه‌های میانی، اتصال مردم و حاکمیت

در مدیریت امور اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی در سطح ملی، حاکمیت دارای وظایفی است، در کنار آن، مردم (عناصر و گروه‌ها) نیز خواهان نقش‌آفرینی هستند. تحقق مشارکت این دو سر طیف، نیازمند یک حلقه اتصال میانی است. در پاسخ به این پرسش که با چه



سازوکار و الگویی می‌توان گسست میان مردم و حاکمیت را پر کرد و زنجیره حاکمیت و مردم را در تمام سطوح آن اعم از توده‌ای و نخبگانی به هم متصل کرد، به طریقی که انسجام اجتماعی و حرکت عمومی که لازمه قطعی تمدن‌سازی است، به بهترین شکل خود محقق گردد، می‌توان به حلقه‌های میانی اشاره نمود. حلقه‌های میانی می‌تواند در یک فرایند، از تمهید زیرساخت‌ها گرفته تا آموزش و کادرسازی در سطوح خرد و میانی و کلان ظرفیت‌های مردمی مخصوصاً نسل جوان را به کار گیرد و حلقه وصل توده‌های مردم و حاکمیت باشد (مجیدی و سبزی کریم آبادی، ۱۴۰۱).

در مورد نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی و حل مسائل جامعه، رهبری فرزانه انقلاب این‌گونه می‌فرمایند: «آنچه شما سؤال می‌کنید همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به‌عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست. خب این چهار عنصری که گفتیم، همه این‌ها، که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱).



در زمینه مدیریت بحران، حلقه‌های میانی، زمینه‌ساز حضور و مشارکت گروه‌ها و عناصر مختلف مردمی هستند که عمده‌تاً در کشور ما با عنوان گروه‌های جهادی و سمن‌های امداد و نجات شناخته می‌شوند.

۳. پیشینه پژوهش

در این بخش به خلاصه دستاوردهای پژوهش‌های گذشته در خصوص ابعاد، علل تقویت‌کننده و موانع کاهنده مدیریت مشارکتی بحران‌ها و بلایای طبیعی پرداخته شده است: در پژوهش نورالهی (۱۳۹۲)، چالش‌ها، اقدامات و الگوهای اجرایی آن در حوزه عملکردی مدیریت شهری تهران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. پس از بررسی سوابق مطالعات و اقدامات اجرایی گذشته و بحث در زمینه نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، دیدگاه‌های نظری مطرح، بررسی شدند. همچنین با اشاره به الگوهای مشارکت مردم در شهرها، سیر تحول قوانین، مطالعات و برنامه‌های اجرایی مدیریت شهری تهران مورد بررسی قرار گرفت.

باباخانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در زمان بحران پرداختند. نتایج آزمون‌های آماری تحلیلی نیز در نهایت سه متغیر احساس انومی، اعتماد اجتماعی و انزوای فردی را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردم در زمان بحران معرفی می‌کنند.

رحیمی و سواری (۱۳۹۹)، در پژوهش خویش به این نتیجه رسیدند که مشارکت‌های مردمی به عنوان عاملی کلیدی و نقش بسزایی در کنترل و مدیریت بحران دارد. نهادهای دولتی علیرغم امکانات خویش به تنهایی قادر به مواجهه با بحران‌ها نیستند، و برای غلبه بر آن‌ها می‌بایست در راستای تحقق مشارکت‌های مردم گام بردارند. مشارکت‌های مردمی در بحران‌ها با توجه به کمک دست بودن نهادهای دولتی، اعتماد مردم را به نظام حاکمیتی بیشتر کرده و موجب ابقای آن می‌شود.



مهدیه (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند به موفقیت اقدامات مدیریت بحران کمک کند، مشارکت مردمی است. با استفاده از اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی از طریق رسانه‌های جمعی و اجتماعی می‌توان بر مشارکت نظری و عملی مردم تأثیر گذاشت. با انجام اقدامات قبل از وقوع بحران (اطلاع‌رسانی و آمادگی) می‌توان عملکرد بعد از وقوع بحران را بهبود بخشید.

سیدجعفری و بهشتی‌مهر (۱۴۰۰) طی پژوهش خود دریافتند که الگوی مدیریت اسلامی مشارکت عمومی شامل تمام راهبردهای مدیریت جامع بحران، کاهش، آمادگی، واکنش و جبران خسارات است. برای دستیابی به مشارکت مزبور، علاوه بر توده‌ها و نخبگان، دولت نیز وظایفی را بر عهده دارد که باید انجام دهد. در راهبرد آمادگی، دولت باید داوطلبان مردم را آموزش و تجهیز کند و در راهبرد واکنش، باید با تعیین اولویت‌ها، روند مشارکت مردمی را تسریع کند. همچنین، دولت باید از مشارکت عمومی در راهبرد کاهش، در زمینه بهداشت روان آسیب‌دیدگان استفاده کند و در راهبرد جبران، روند جبران خسارت را کنترل کند و سازمان‌های دولتی را با مشارکت عمومی هماهنگ کند.

نتایج پژوهش عموزاد خلیلی و همکارانش (۱۳۹۷) حاکی از آن است که موفقیت یک برنامه تا اندازه زیادی به نقش مردم و نحوه دخالت آن‌ها در برنامه بازمی‌گردد و تعیین نیازها، خواسته‌ها و اولویت‌بندی برنامه‌ای و طرح‌های مدیریت بحران جز با مشارکت مردم میسر نیست.

در مقاله خیری (۱۳۹۷) تلاش شد با استفاده از روش تحقیق کیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی به تحلیل و تبیین نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فراهم‌آوردن زمینه‌های مشارکت مردم به دور از پیچیدگی بوروکراسی اداری برای مدیریت مالی و جغرافیایی بحران‌های زیست محیطی کلان‌شهرهای ایران خواهد پرداخت.

مطالعه بنی اسدی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که دلبستگی و تاب‌آوری جامعه بر مشارکت جامعه مؤثر هستند و افزایش دلبستگی و تاب‌آوری جامعه باعث افزایش در مشارکت جامعه می‌شود. همچنین تاب‌آوری و دلبستگی و مشارکت جامعه در پاسخ به بحران



با هم ارتباط مؤثری دارند و همچنین مشارکت افراد جامعه و همبستگی و همدلی آن‌ها در کنترل و پاسخ‌دهی به بحران نقش بسزایی دارند.

یافته‌های پژوهش حبیب پور کتابی و کاری جعفری (۱۳۹۸)، نشان داد که درمجموع سمن‌های مدیریت بحران در شهر تهران عملکرد ضعیفی در این عرصه دارند. از نظر این پژوهشگران، این سمن‌ها جایگاهی در سیاست‌گذاری بحران ندارند و تا حد زیادی به مؤسساتی با ماهیت خیریه‌ای و آموزشی تقلیل یافته‌اند. دلایل این ناکامی را می‌توان با استناد به مقولاتی چون فقدان نیروهای متخصص، نیت انتفاع‌گرایانه مدیران و اعضای این سازمان‌ها، فقدان چشم‌انداز و برنامه کلان و راهبردی مشخص در زمینه مدیریت بحران، تعدد سازمان‌های متولی غیرتخصصی در حوزه بحران، وابستگی به دولت، بی‌اعتمادی دولت به آن‌ها، فقدان شبکه منسجم و در نتیجه جزیره‌ای عمل کردن، و نهادینه نشدن مفهوم بحران و سانحه توضیح داد. درمجموع، دلالت یافته‌های پژوهش مذکور بر این است که سمن‌های مدیریت بحران، به معنای واقعی، در مدیریت بحران مؤثر نیستند.

پژوهش همدانی و رستمی (۱۳۹۹)، با هدف بررسی نقش مشارکت اجتماعی در بهبود عملکرد مدیریت بحران شهری در شهر رباط‌کریم انجام شد. در این راستا پس از بررسی مباحث نظری در حوزه مشارکت اجتماعی و با تکیه بر مباحث مدیریت بحران شاخص‌های تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی شناسایی شدند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با ارتقاء یک واحد از هر متغیر مستقل (مشارکت اجتماعی) به میزان ضریب نوشته شده متغیر وابسته ارتقا پیدا خواهد کرد. بنابراین در نظام مدیریت بحران شهر رباط‌کریم، اساسی‌ترین مؤلفه، افزایش مشارکت اجتماعی است.

نتایج پژوهش ظفری و ویسی (۱۳۹۰)، حاکی از آن است که آموزش همگانی در تمامی سطوح جامعه اسلام‌شهر و در تمامی مراحل مدیریت بحران شامل آمادگی، کاهش خطر، مقابله و بازسازی و نیز ایجاد گروه‌های سازمان‌یافته و متشکل در قالب سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های کوچک محلی، بسیج و سازمان‌های خیریه و تشکیل و ایجاد گروه‌هایی با عنوان

مدیریت بحران محله؛ می‌تواند موجب بارور نمودن انگیزه‌ها و توانایی‌ها مردم و افزایش همدلی اجتماعی و در نتیجه افزایش مشارکت مردم در کاهش ریسک سوانح طبیعی گردد. نتایج پژوهش ظفری و ولی‌پور (۱۴۰۱)، نشان می‌دهد که حضور گروه‌های مردمی در مدیریت بحران کرونا قابل توجه، چشمگیر و مؤثر بوده و نه تنها نمی‌توان این مشارکت را نادیده گرفت بلکه دولت به سادگی می‌تواند با انجام اقداماتی حضور گروه‌های مردمی را از لحاظ کمی و کیفی تا حد قابل توجهی ارتقا دهد.

جمیلی و سواری (۱۳۹۹) در پژوهش خویش این گونه اشاره می‌دارند که پیش‌بینی، پیشگیری و مقابله با بحران به عنوان عاملی که حیات طبیعی را در جنبه‌های مختلف مورد حمله قرار می‌دهد نیازمند سازوکاری مشخص و هماهنگی در تمام زمینه‌ها است؛ و در غیر این صورت اثرات زیان‌بار آن بیشتر و ماندگارتر خواهد بود. مشارکت‌های مردمی به عنوان عاملی کلیدی که تجلی جامعه مدنی و احترام به رأی دیگران است؛ نقش بسزایی در کنترل و مدیریت بحران دارد. این مشارکت‌ها چنانچه سازمان‌یافته و منظم باشند تا حدود زیادی می‌توانند در تمامی مراحل بحران (قبل، حین و پس از بحران) اثرات آن را کاهش دهند. نتایج روش ناپارامتریک مانند روش پارامتریک در پژوهش صابری (۱۴۰۱) نشان داد که متغیرهای سن، سطح تحصیلات و تعداد فرزندان، احتمال حضور زنان و مردان در فعالیت‌های مشارکتی در مبحث مدیریت بحران را افزایش می‌دهد. مطابق این یافته‌ها، برای ترغیب خانوارها برای حضور در طرح مورد اشاره بایستی به این خصیصه‌های زمینه، توجه گردد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های توسعه‌ای-کاربردی با رویکرد نظریه‌پردازی بومی قرار می‌گیرد. هدف آن، تولید دانش و مدل مفهومی بومی در زمینه مدیریت مردم‌محور بحران‌ها در چهارچوب نظام فکری جمهوری اسلامی است.



از نظر ماهیت و روش، پژوهش از نوع کیفی اکتشافی است که با بهره‌گیری از راهبرد مطالعه موردی تبیینی و در چهارچوب منطق نظریه پردازی زمینه‌ای انجام شده است. در این رویکرد، داده‌ها نه صرفاً برای توصیف یک پدیده، بلکه به منظور استخراج مقولات مفهومی و ترسیم الگوی نظری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو بخش اصلی است:

۱. بخش اسنادی: برای تدوین مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای، اسناد رسمی، گزارش‌ها و داده‌های ثانویه استفاده شده است. داده‌ها از طریق فیش برداری نظام‌مند و کدگذاری اولیه استخراج گردیدند.

۲. بخش میدانی: در مرحله میدانی، داده‌ها از طریق مشاهده مشارکتی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و یادداشت برداری از تجارب میدانی حلقه‌های میانی در سه موقعیت بحران شامل زلزله خوی، سیل سیستان و بلوچستان، و زلزله حلب سوریه گردآوری شدند.

فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت پذیرفت تا مفاهیم پایه، روابط میان آن‌ها و در نهایت الگوی نظری بومی مدیریت مردم محور بحران‌ها استخراج گردد. به منظور افزایش اعتبار داده‌ها، از روش‌های مثلث سازی داده‌ها، بازبینی مشارکت کنندگان و یادداشت‌های میدانی بهره گرفته شد.

۵. تجزیه و تحلیل

۵-۱. نقش آفرینی حلقه میانی در مدیریت بحران

نقش آفرینی حلقه میانی در مدیریت بحران‌ها و بلایای طبیعی در جمهوری اسلامی، اهمیت بسزایی دارد. این نقش آفرینی برخاسته از ویژگی‌هایی است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است:

❖ چابکی و استفاده از فناوری؛ حلقه میانی یک مرکز، بسته و بازوری خدماتی است. این بسته بجای چینش نیرو و تکیه صرف بر انتقال سینه به سینه - که نیازمند تعدد و

کثرت نیروی انسانی باشد- بر تنظیم و مدیریت فرایندها در کنار استفاده از فناوری روزآمد، تکیه دارد.

❖ اتصال دائمی با شبکه نیروی انسانی؛ حلقه میانی، تلاش می‌کند با استفاده از بستر فناوری، ارتباط مستمر خود را با عناصر و گروه‌های فعال میدانی شناسایی شده در میدان و عرصه بلا و بحران، حفظ نماید. این اتصال، دست کم امر دو مزیت دارد:

- نخست، بسته‌های آموزشی تولید شده، به مرور به این مخاطبان ارائه می‌شود.
- دوم، امکان انجام حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی در آینده‌های نزدیک و دور، فراهم می‌شود.

❖ سیستم گردآوری بی‌واسطه و محلی؛ عناصر جمع‌آوری‌کننده داده‌های میدانی، اتصالی مستقیم و بی‌واسطه با سامانه مرکزی دارند. با حذف واسطه، مقادیر خطا در سامانه به حداقل می‌رسد. البته برای کنترل و کاهش خطا، برای هر ۵ نفر راهبر محلی، یک نفر به‌عنوان ناظر و کنترل‌کننده، صحت و دقت داده‌های جمع‌آوری شده را مورد بررسی و واکاوی قرار می‌دهد. برای نمونه، در بازه زمانی که سیل جنوب سیستان و بلوچستان و یا زلزله خوی روی داده بود، در هر کوچه‌ای یک راهبر محلی، داده‌های وضعیت پلاک‌ها را جمع‌آوری و آن را به مرکز ارسال می‌کرد. در چنین سطحی، احتمال خطا در دریافت و ارسال داده‌های نادرست، به حداقل ممکن تقلیل یافته بود.

❖ جمع‌آوری داده‌ها، به‌صورت خرد و بی‌واسطه، موجب اطمینان بیشتر نسبت به دقت و صحت داده‌ها می‌شود. راهبران محلی نمی‌توانند ضریب خطای بالایی را برای داده‌ها رقم بزنند زیرا در محدوده بسیار کوچکی (حتی کوچک‌تر از محله) داده‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.

❖ مدل خرد و غیرمتمرکز؛ مدل خرد و غیرمتمرکز جمع‌آوری داده‌ها به واقعی بودن آمارهای میدانی کمک می‌کند. بر همین اساس، توزیع کمک‌ها، اقلام و خدمات مورد نیاز افراد (خانوارهای) آسیب‌دیده از بلا، بهینه‌تر بوده و خدمات و کمک‌ها



دقیقاً به افرادی تعلق می‌گیرد که به آن نیاز دارند. در این صورت، از تصمیم‌گیری‌های احساسی و یا تحت تأثیر فشارهای رسانه‌ای و فضا سازی‌های عمومی جلوگیری می‌شود، ضمن آنکه از فساد، تبانی و خطاها تا حد بسیار زیادی پیشگیری شده و تقریباً به صفر خواهد رسید.

❖ برآورد واقعی نسبت به نیاز واقعی؛ در فرایند جمع‌آوری داده‌ها توسط عناصر بومی و محلی و تحت مدیریت حلقه میانی، مقادیر و نوع اعلام نیازها، همپوشانی دقیقی با نیازهای واقعی خواهد داشت. برای نمونه، آمار دقیق تعداد مادران شیرده و کودکان شیرخواره به دست می‌آید. سپس مشخص می‌شود که چه مقدار شیر خشک برای کودکان، غذای مناسب برای مادران، لباس کودک و ... نیاز است، همچنین آمار دقیق تعداد افراد آسیب‌دیده مشخص می‌شود، لذا کمک‌های ۷۲ ساعته به تعداد لازم تهیه شده به افراد نیازمند واقعی، تعلق می‌گیرد.

❖ فعال‌سازی سامانه هوشمند در حوزه مدیریت بلایای طبیعی؛ حلقه میانی در راستای هوشمندسازی و بهره‌گیری از فناوری‌های روز و در پاسخ به دغدغه رهبر معظم انقلاب پیرامون ایجاد پایگاه جامع آماری مدیریت بحران با همکاری نیروهای میدانی فعال در صحنه (منطقه زلزله‌زده، سیل‌زده و ...) و پشتیبانی فنی سامانه هوشمند جمع‌آوری و رصد و پایش مستمر میدانی، قادر است تا ضمن هم‌افزایی درون جبهه‌ای به صورت کاربردی، سامانه را در جهت تصمیم‌سازی درست مدیران بحران، مورد استفاده قرار دهد.

❖ بانک‌های جامع رصد و پایش و خدمات‌رسانی برخط؛ مناطق مختلف کشور، نیازمند آموزش و آمادگی پیش از بحران است تا در موقع وقوع بحران و پس از آن، بتوانند فعالیت کنند. از این رو، حلقه میانی تلاش می‌کند گروه‌های فعال و علاقه‌مند در زمینه مدیریت بحران را شناسایی نموده و آن‌ها را به تناسب بوم و اقتضای محلی، تحت آموزش‌های برخط و غیر برخط قرار دهد. درهمین راستا، تولیدات مختلف آموزشی



مانند دستنامه‌های آموزشی، ویژه‌نامه‌ها و کتابچه‌ها را تولید و در اختیار عناصر و گروه‌های میدانی قرار می‌دهد.

۲-۵. نمونه حلقه‌های میانی سرآمد در مدیریت بحران‌ها

مجموعه «فرصت» (شبکه مدیریت مردمی بلایای طبیعی، حوادث غیرمترقبه و بحران‌های اجتماعی) متشکل از تعدادی جوان دغدغه‌مند دانشگاهی و جهادی کشور، به‌صورت خودجوش و بر اساس دغدغه‌های مبتنی بر واقعیات بحران‌خیزی کشور، علاوه بر حضور در عرصه‌های مختلف بلایای طبیعی^۱ در نقاط مختلف کشور (از جمله در زلزله‌های بم، ورزقان، آذربایجان، سرپل ذهاب، کرمانشاه، سی سخت، کهگیلویه و بویراحمد، اندیکا، خوزستان، خوی و حلب سوریه، سیل‌های آق‌قلا، گلستان، پلدختر، لرستان، خوزستان، کنارک، چابهار، سیستان و بلوچستان و همچنین برف گیلان و مازندران)، تجارب و اندوخته‌های عملیاتی خویش را به‌صورت توشه‌های علمی، گردآوری و ذخیره کرده است. ضمن آنکه با پژوهش‌های متعدد، از جمله: واکاوی اندیشه‌های مبنایی جمهوری اسلامی در زمینه بلیات و مدیریت بلیات، جمع‌آوری اطلس‌های ملی بلیات، استحصال نگاه دینی به بلیات و مدیریت آن، بررسی سیره شهدا در مدیریت بحران‌ها، تحلیل ساختاری مدیریت بحران در کشور و تحلیل بلیات در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تلاش نمود تا بین تجارب و اندوخته‌های میدانی و تولید دانش بومی مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در این زمینه، پیوندی منطقی و محکم برقرار سازد.

۳-۵. تجارب میدانی مدیریت بحران توسط حلقه میانی

۳-۵-۱. مدیریت مردمی بحران زلزله خوی

زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۵/۹ درجه در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) ساعت ۹ و ۴۴ دقیقه شنبه شب، ۷ بهمن ۱۴۰۱ در شهر خوی در شمال آذربایجان غربی را لرزاند. این زمین‌لرزه

۱. اصرار در استفاده از واژه بلا به عنوان جایگزین بحران، بخاطر تأکید بر فرصت‌هایی است که پس از وقوع هر حادثه طبیعی وجود دارد. فرصت برای ساختن و حرکت از نو و فرصت برای رشدی دوباره.

در مناطق زیادی از استان به ویژه شهر ارومیه احساس شد و باعث نگرانی مردم گردید. طبق گزارش مرکز لرزه نگاری دانشگاه تهران، این زمین لرزه در عمق هفت کیلومتری اتفاق افتاد. این زلزله علاوه بر خسارت در برخی مناطق، فوت سه نفر و مراجعه حدود هزار مصدوم به بیمارستان ها را در پی داشت^۱ (کیهان؛ ۹ بهمن ۱۴۰۱).

بعد از این زلزله، حلقه میانی «فرصت»، با حمایت بنیاد خاتم الاوصیا (س)، برای شناسایی جامع تجمیعی از مناطق آسیب دیده و با هدف صرفه جویی در وقت و بهبود کیفیت امداد رسانی در عرصه اطلاعات- عملیات اقدامات ذیل را صورت داد:

❖ ایجاد گروه ۳۷۶ نفره از راهبران توانمند و بومی آشنا با منطقه و آموزش اولیه نحوه شناسایی به ایشان.

❖ پهنه بندی جغرافیایی شهرستان خوی و واگذاری مسئولیت عملیات شناسایی هر پهنه به یک یا چند تن از راهبران.

❖ فعال سازی سامانه هوشمند جبهه که از سوی بنیاد خاتم الاوصیا (س) طراحی شده بود و استفاده از ظرفیت این سامانه در جهت جمع آوری اطلاعات ۹۰۰۰ خانوار توسط راهبران آموزش دیده.

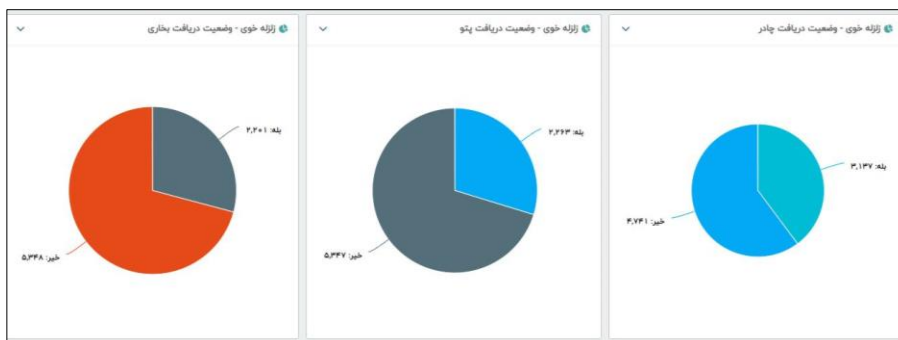
❖ فراوری و گویاسازی اطلاعات با به کارگیری سامانه شهید حسن باقری که توسط بنیاد خاتم الاوصیا (س) راه اندازی شده بود.

در این مرحله ضمن ارائه اطلاعات تجمیع شده از طریق سامانه جبهه به عنوان ورودی پس از فراوری و تحلیل این اطلاعات مجموعه ای از نمودارها و نقشه های پراکندگی با موضوعات مختلف به عنوان خروجی آماده شد که امکان رصد آنی مؤلفه های مختلف امداد رسانی در پهنه های شهر خوی را برای مسئولین و گروه های مردمی فراهم می کرد.

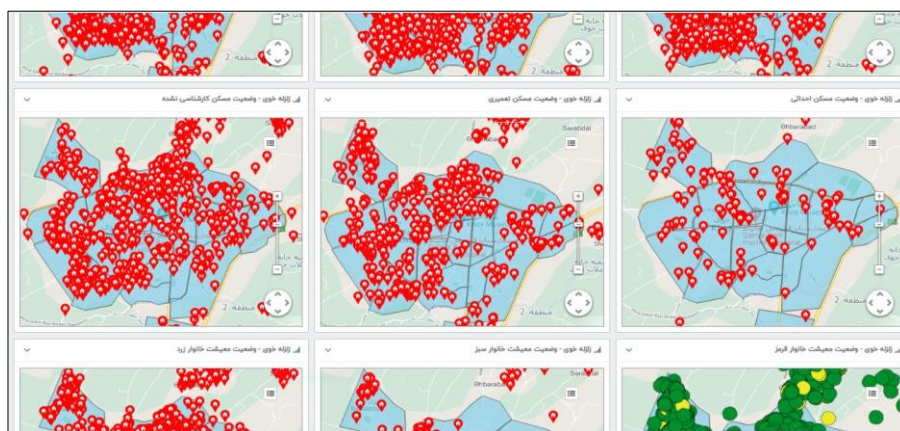
1. <https://kayhan.ir/fa/news/259139/3>



نمودار ۱: وضعیت معیشت و مسکن خانوارهای آسیب‌دیده زلزله خوی



نمودار ۲: وضعیت دریافت اقلام امدادی خانوارهای آسیب‌دیده زلزله خوی



نقشه ۱: توزیع فضایی خانوارهای آسیب‌دیده زلزله خوی به تفکیک وضعیت نیازمندی



۵-۳-۲. مدیریت مردمی بحران سیل سیستان و بلوچستان

شروع بارش های زمستانی در هفته دوم اسفندماه ۱۴۰۲، موجب سیل در ۶ شهرستان دشتیاری، چابهار، قصرقند، راسک، لاشار و نیک شهر شد. از ۷ اسفند بارندگی هایی در جنوب و شرق کشور آغاز شد که در سیستان و بلوچستان منجر به سرریز شدن سدها و بروز سیلاب شد. بارندگی در ایستگاه پیرسهراب واقع در جنوب سیستان و بلوچستان طی ۲ روز (۱۰ و ۱۱ اسفند) از ۲۵۰ میلی متر فراتر رفت. بارش دو روزه ای که معادل بارندگی متوسط یک سال ایران بود.

دو سد بزرگ زیردان در بخش ساربوک و سد شی کلگ در بخش تلنگ این شهرستان بر اثر بارندگی ها و سیلاب چند روز، سرریز شد. بارندگی های یک هفته منتهی به ۱۳ اسفند، باعث شد سدهای مخزنی پیشین در شهرستان سرباز با حجم ۱۷۵ میلیون متر مکعب، سد زیردان در منطقه دشتیاری چابهار با حجم مخزن ۲۰۷ میلیون متر مکعب، سد شی کلک در شهرستان چابهار با حجم ۱۰ میلیون متر مکعب و سدخیر آباد نیکشهر با حجم ۲۷ میلیون متر مکعب آبگیری و سرریز شود.

از ۷ تا ۲۱ اسفند، ۱۴۷۲۵ خانوار شامل ۶۳۳۴۳ نفر تحت تأثیر سیل، آسیب دیدند. ۱۹۴۷ روستای سیستان و بلوچستان تحت تأثیر سیلاب قرار گرفت و واحدهای مسکونی زیادی بر اثر جاری شدن سیلاب آسیب کلی و جزئی دید (پژوهشکده سوانح طبیعی، ۱۴۰۲).

حلقه میانی «فرصت» اقدامات زیر را در این استان در دستور کار قرار داد:

❖ شناسایی فعالان بومی؛ از اقدامات مجموعه فرصت، بهره گیری از ظرفیت مشورتی معتمدان محلی برای ارتقای کیفیت امداد رسانی بود. دیداری با بزرگان محلی، از جمله ماموستاها انجام شد. خان ها و ماموستاهای محلی به خاطر اشراف بر بوم و منطقه، می توانستند مشورت های لازم در کم و کیف کمک رسانی، به امدادگران ارائه کنند. پس لازم بود تا از این ظرفیت مشورتی آنان بهره گیری شود؛

❖ استفاده از ظرفیت مردم بومی منطقه و تشکیل شبکه راهبران محلی؛ با توجه به اینکه افراد بومی و توانمند محلی، می توانند در تسریع شناسایی و پیش منطقه، کارآمدتر

از افراد غیربومی عمل کنند، پس تصمیم به شناسایی و به‌کارگیری این افراد از هر

شهرستان، شهر و روستا گرفته شد. تعداد ۱۷۳ نفر راهبرد بومی شناسایی شد؛

❖ برگزاری جلسات مستمر توجیهی یا تصمیم‌گیری با راهبران محلی؛ به‌منظور توجیه

نحوه تکمیل فرم‌های وضعیت خانه‌ها (واحدهای مسکونی) و خانواده‌های

آسیب‌دیده از سیل، جلسات حضوری و مستمر آموزشی برای کاربران محلی سامانه،

برگزار شد؛

❖ تشکیل اتاق وضعیت؛ بر حسب تجارب پیشین، اتاق وضعیت سیل استان تشکیل

شد؛

❖ پایش برخط وضعیت خانه و خانواده؛ وضعیت هر خانه و خانواده با کمک راهبران

محلی، در درون سامانه قرار گرفت. موضوعاتی که از هر خانوار بررسی شد، شامل

مواردی از جمله وضعیت معیشت، دریافت اقلام و سلامتی خانوار است؛

❖ به‌منظور رصد و پایش برخط وضعیت سیل و مدیریت آن، تا انتهای دهه نخست

فروردین سال ۱۴۰۳، اتصال با بیش از ۱۷۳ راهبر محلی به‌صورت شبکه‌ای انجام

گرفت و بیش از ۳۳۴۹ مورد از خانه‌ها و خانواده‌های آسیب‌دیده نقطه‌گذاری شد.

در زیر، نمونه تصاویر سامانه شهید حسن باقری و گزارش‌های مربوطه به سیل استان

سیستان و بلوچستان، قابل ملاحظه است.



نمودار ۳: وضعیت معیشت و مسکن خانوارهای آسیب‌دیده سیل سیستان و بلوچستان



نمودار ۴: وضعیت دریافت اقلام امدادی خانوارهای آسیب دیده سیل سیستان و بلوچستان

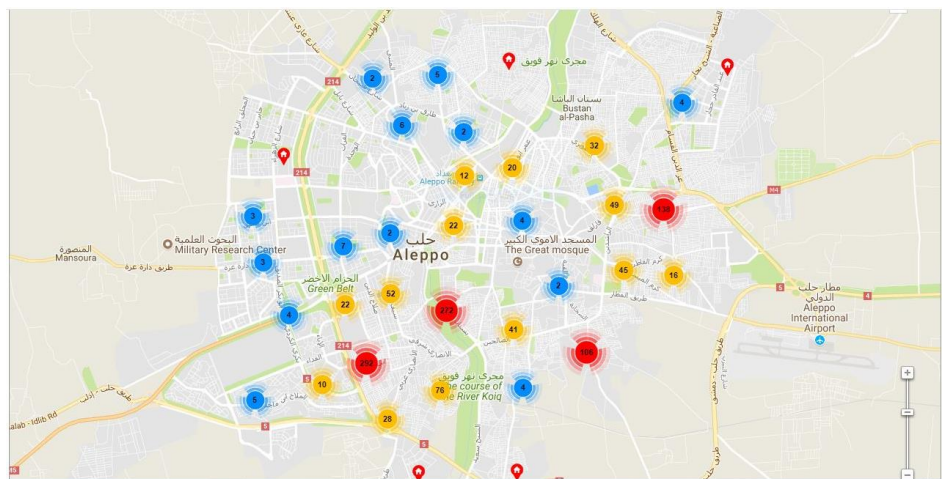
۳-۳-۵. زمین لرزه حلب سوریه

در ۶ فوریه ۲۰۲۳ (۱۷ بهمن ۱۴۰۱)، در ساعت ۱۷:۰۴ به وقت ترکیه (۱:۱۷ گرینویچ)، زمین لرزه‌ای سهمگین و فاجعه آمیز به بزرگی ۷/۸ ریشتر مرکز و جنوب ترکیه و شمال و غرب سوریه را به مدت ۷۵ ثانیه لرزاند و خسارت‌های گسترده‌ای به جای گذاشت. در این زلزله، مجموعاً از دو کشور بیش از ۵۹۰۰۰ نفر کشته و ۱۲۱۷۰۴ نفر زخمی شدند.^۱

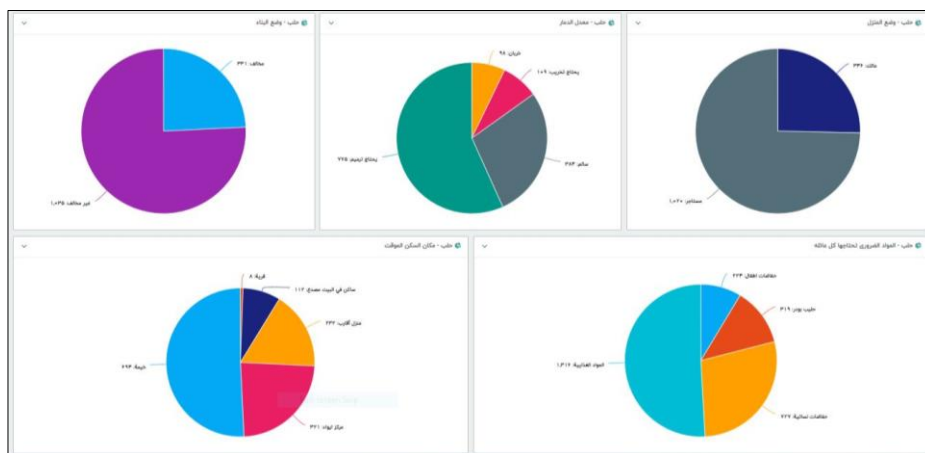
حلقه میانی فرصت، پس از شناسایی و آموزش راهبران محلی، مدل شناسایی و گردآوری داده‌های میدانی از وضعیت خانه‌ها و خانواده‌های آسیب دیده از زلزله شهر حلب را در سامانه هوشمند، در دستور کار قرار داد که تصاویر آن در ادامه ملاحظه می شود.

1. February 6, 2023 Turkey-Syria earthquake news". CNN. Archived from the original on 7 February 2023. Retrieved 7 February 2023.

Live Updates Turkey, Syria earthquake kills thousands". AP News .6 February 2023. Archived from the original on 6 February 2023. Retrieved 7 February 2023.



نقشه ۲: توزیع فضایی خانوارهای آسیب‌دیده زلزله حلب سوریه به تفکیک شدت آسیب‌ها



نمودار ۵: وضعیت معیشت و مسکن خانوارهای آسیب‌دیده زلزله حلب سوریه

۵-۴. الگوی فرایندی اقدامات حلقه میانی در مدیریت بحران

آنچه در سابقه مدیریت بحران‌ها و بلایای طبیعی کشور در موارد گذشته مشهود است، با وقوع حادثه، گروه‌های مردمی، که حامل کمک‌های بشردوستانه و امکانات از نقاط مختلف



کشور بودند، پس از وصول به میدان امداد رسانی در منطقه حادثه دیده، ابتدا می بایست به تنهایی اقدام به شناسایی نیازمندان و کمبودها کرده و سپس حسب اطلاعات موردی که کسب می نمودند به توزیع کمک های مردمی اقدام می نمودند. این امر پیامدهای منفی به همراه داشت که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- وقت گیر بودن شناسایی و جمع آوری اطلاعات برای گروه های مردمی با توجه به عدم آشنایی با منطقه؛
- موازی کاری گروه های مردمی در مرحله شناسایی؛
- عدم امکان شناسایی کامل و جامع منطقه در مدت محدود؛
- پراکندگی نامتوازن کمک ها و امکانات در نقاط مختلف مناطق آسیب دیده؛
- تقسیم کار ناصحیح در بین گروه های مردمی و تمرکز هم زمان چند گروه بر یک منطقه واحد.

حلقه میانی «فرصت» مبتنی بر تجارب متعدد به منظور ارتقای کیفی امداد رسانی و مدیریت بلایای طبیعی با مشارکت مردمی، با حمایت معنوی بنیاد خاتم الاوصیا (س)، با توجه به طرح از پیش تهیه شده در جهت شناسایی جامع تجمیعی از مناطق آسیب دیده و با هدف صرفه جویی در وقت و بهبود کیفیت امداد رسانی در عرصه اطلاعات- عملیات اقدامات ذیل را صورت داد:

گام اول: شناسایی فعالان محلی، تشکیل گروه راهبران توانمند و بومی آشنا با منطقه و آموزش اولیه نحوه شناسایی به آن ها؛

گام دوم: پهنه بندی جغرافیایی منطقه آسیب دیده از بلای طبیعی و واگذاری مسئولیت عملیات شناسایی هر پهنه (یک محله، یک خیابان) به یکی یا چند تن از راهبران؛

گام سوم: فعال سازی سامانه جبهه، که پیش از این از سوی بنیاد خاتم الاوصیا (س) طراحی شده بود و استفاده از ظرفیت این سامانه در جهت جمع آوری اطلاعات خانوارهای منطقه توسط راهبران آموزش دیده.

در ادامه، کاربرگ [فرم] خامی که راهبران به صورت برخط در سامانه تکمیل می‌کنند، به نمایش درآمده است.



تصویر ۱: فرم خام برای تکمیل توسط راهبران

گام چهارم: فراوری و گویاسازی اطلاعات با به‌کارگیری سامانه شهید حسن باقری که توسط بنیاد خاتم‌الاولصیا (عج) راه‌اندازی شده بود.

در این مرحله ضمن ارائه اطلاعات تجمیع شده از طریق سامانه جبهه به‌عنوان ورودی پس از فراوری و تحلیل این اطلاعات مجموعه‌ای از نمودارها و نقشه‌های پراکندگی با موضوعات مختلف به‌عنوان خروجی آماده می‌شود که امکان رصد آنی مؤلفه‌های مختلف امدادرسانی در پهنه‌های استان سیستان و بلوچستان را برای مسئولین و گروه‌های مردمی آماده می‌کرد.



۶. الگوی نظری اقدام فرایندی حلقه‌های میانی در مدیریت مردم‌محور بحران‌ها

۶-۱. تبیین چالش نظری مشارکت مردمی در مدیریت بحران

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از چالش‌های اساسی مدیریت بحران در ایران، نبود سازوکار مؤثر برای مشارکت واقعی مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری، امداد رسانی و بازسازی است. عواملی همچون کمبود آگاهی عمومی، ضعف اعتماد اجتماعی به نهادهای رسمی، کاستی‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، فقدان انسجام اجتماعی، و ضعف در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی مردمی، سبب شده میان «نظام رسمی مدیریت بحران» و «ظرفیت‌های مردمی» شکاف معناداری شکل گیرد.

در چنین شرایطی، حلقه‌های میانی به‌مثابه نهادهای پیوندی میان مردم و حاکمیت، می‌توانند این شکاف را پر کنند. این حلقه‌ها نه در جایگاه دستگاه‌های اجرایی رسمی قرار دارند و نه صرفاً گروه‌های خودجوش مردمی، بلکه شبکه‌هایی ترکیبی از نیروهای جوان، متعهد و میدانی‌اند که توانایی ترجمه مطالبات مردمی به زبان مدیریتی و بالعکس را دارند. از این منظر، نقش حلقه‌های میانی صرفاً اجرایی نیست، بلکه نقشی نظری و ساختاری در تحقق مردم‌سالاری دینی در مدیریت بحران‌ها دارد.

۶-۲. فرایند نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در چهار مرحله بحران

یافته‌های پژوهش از تحلیل سه مطالعه موردی (زلزله خوی، سیل سیستان و بلوچستان، زلزله حلب سوریه) نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی در مدیریت مردم‌محور بحران‌ها، بر اساس منطق فرایندی در چهار مرحله نقش‌آفرینی می‌کنند:

مرحله پیش از بحران (پیش‌نگری و آمادگی): در این مرحله، حلقه‌های میانی با تمرکز بر آموزش، آگاهی‌بخشی و ظرفیت‌سازی محلی، به شناسایی خطرات بالقوه و تدوین نقشه‌های آسیب‌پذیری منطقه‌ای می‌پردازند. این فرایند، بنیان شکل‌گیری «سرمایه دانشی و اجتماعی بحران» را فراهم می‌کند.

❖ مرحله آغاز بحران (هشدار و اطلاع‌رسانی): در لحظه آغاز بحران، حلقه‌های میانی

نقش میانجی اطلاعاتی را ایفا می‌کنند؛ از طریق شبکه‌های ارتباطی خود، داده‌های

اولیه از شدت و گستره حادثه را جمع‌آوری و به نهادهای رسمی منتقل می‌کند و هم‌زمان با رسانه‌های جمعی در اطلاع‌رسانی و هشدار عمومی همکاری دارند.

❖ مرحله حین بحران (کنش میدانی و شبکه‌سازی): حلقه‌های میانی با بهره‌گیری از سامانه‌های هوشمند رصد و پایش برخط، توزیع بهینه کمک‌ها و سازمان‌دهی گروه‌های مردمی را تسهیل می‌کنند. این مرحله، نمایش عینی «مردم‌سالاری میدانی» در مدیریت بحران است، زیرا تصمیم‌ها در بستر واقعی و با مشارکت مستقیم مردم اتخاذ می‌شود.

❖ مرحله پس از بحران (بازسازی و یادگیری اجتماعی): پس از فروکش کردن بحران، حلقه‌های میانی با استفاده از بانک داده‌های میدانی و تجربه‌های جمعی، در فرایند تصمیم‌سازی برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده مشارکت می‌کنند و دانش حاصل را در قالب تجربه‌های بومی مستندسازی و به اشتراک می‌گذارند.

۶-۳. دستاوردهای مدیریتی و مفهومی الگو

مدل نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی، افزون بر کارکرد میدانی، دارای پیامدهای نظری و مدیریتی گسترده‌ای است که اهم آن عبارتند از:

- ایجاد بانک اطلاعاتی مرجع برای همه اعضای زنجیره امدادرسانی؛
- صرفه‌جویی در زمان شناسایی وضعیت میدانی از طریق نقشه‌های دقیق آسیب‌پذیری؛
- استفاده بهینه از ظرفیت‌های نهادهای و منابع مردمی؛
- گذار از تصدی‌گری دولتی به تنظیم‌گری هوشمند در مدیریت بحران؛
- بسترسازی و تسهیلگری نقش‌آفرینی مستقیم مردم در امدادرسانی؛
- تشکیل ناوگان ترابری مردمی مستقل از ساختارهای رسمی؛
- تصمیم‌سازی در بستر هوشمندسازی با بهره‌گیری از داده‌های برخط؛
- کاهش خطا در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و جلوگیری از فضا‌سازی‌های هیجانی.



۶-۴. نتیجه‌گیری نظری و ابعاد مدل بومی

تحلیل تجربیات سه میدان بحران نشان می‌دهد که حلقه‌های میانی در جمهوری اسلامی ایران، واجد ظرفیت نظری شکل‌دهی به یک مدل بومی مدیریت مردم‌محور بحران‌ها هستند. این مدل مبتنی بر سه مؤلفه اصلی است:

۱. مردم‌سالاری میدانی: تبدیل مردم از نقش «دریافت‌کننده خدمات» به «کنشگر فعال

در مدیریت بحران»؛

۲. نهاد واسط (حلقه میانی): سازوکار پیونددهنده حاکمیت، مردم و فناوری برای

تصمیم‌سازی هوشمند؛

۳. مدیریت دانایی‌محور: استفاده از داده‌های برخط، تجربه‌های محلی و دانش جمعی

برای سیاست‌گذاری بحران.

بدین ترتیب، الگوی پیشنهادی، از سطح یک تجربه اجرایی فراتر رفته و قابلیت آن را دارد که به‌عنوان مدلی نظری برای مدیریت مردم‌محور در نظام جمهوری اسلامی، در سایر عرصه‌های حکمرانی مشارکتی نیز مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عبور از سطح تحلیل‌های تجربی و گزارش‌های میدانی، در پی آن بوده است تا از دل تجربه‌های عینی، به تولید یک الگوی نظری بومی در حوزه مدیریت مردم‌محور بحران‌ها دست یابد. این الگو، نه صرفاً به‌مثابه مدلی اجرایی، بلکه به‌عنوان یک چهارچوب مفهومی در پی تبیین سازوکار پیوند میان مردم و حاکمیت در مدیریت بحران است. بر این اساس، حلقه‌های میانی به‌عنوان عنصر نظری کلیدی، به‌مثابه «کنشگر بین سطحی» میان ساخت قدرت و جامعه عمل کرده و میدان تحقق مردم‌سالاری دینی را در بستر بحران‌ها فراهم می‌آورند.

بدین ترتیب، یافته‌های این پژوهش ظرفیت آن را دارند که در قالب یک نظریه بومی نقش‌آفرینی حلقه‌های میانی در حکمرانی بحران‌ها توسعه یابند. این نظریه می‌کوشد نشان دهد که مدیریت مردم‌محور، صرفاً یک راهبرد اجرایی نیست، بلکه مبنایی معرفت‌شناختی در



اندیشه حکمرانی جمهوری اسلامی است که می‌تواند الگوی جدیدی از «مردم‌سالاری میدانی» را در عرصه‌های مختلف مدیریت عمومی و سیاست‌گذاری اجتماعی به نمایش گذارد.



فهرست منابع

- باباخانی، فرهاد؛ یزدانی نسب، محمد؛ نوری، مهدی (۱۳۹۲)، *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نیروهای داوطلب مردمی در زمان بحران*. نشریه مدیریت بحران. دوره ۲، شماره ۲.
- بنی اسدی زهرا؛ شهابی، الهه؛ ده یادگاری، سعید (۱۴۰۰)، *بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جامعه برای پاسخ به بحران کووید-۱۹*. نشریه: تصویر سلامت. دوره ۱۲. شماره ۴.
- پژوهشکده سوانح طبیعی (۱۴۰۲). گزارش سیلاب اسفندماه استان سیستان و بلوچستان. گروه مخاطرات هیدرولوژیکی. مرکز مدیریت اطلاعات و مستندسازی حوادث و سوانح
- جمیلی، حسن؛ سواری، احمد (۱۳۹۹)، *پژوهش های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی*، بهار ۱۳۹۹.
- حبیب پور گتابی، کرم؛ جعفری، بهزاد (۱۳۹۸)، *مطالعه جایگاه سازمان های مردم نهاد در مدیریت بحران شهر تهران*. مطالعات اجتماعی ایران، سال سیزدهم، تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲.
- خیری، محم (۱۳۹۷)، *سازمان های مردم نهاد و مدیریت مشارکت محور: با تأکید بر ارائه مدلی غیر بوروکراتیک برای مدیریت مالی و جغرافیایی بحران های زیست محیطی کلان شهرهای ایران*. فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای. دوره ۸، شماره ۳۰.
- رحیمی، ابراهیم؛ سواری، احمد (۱۳۹۹)، *بررسی مشارکت مردم در مدیریت بحران*، ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت.
- سازمان هواشناسی ایران (۱۳۹۷). تحلیل سیلاب های اخیر در ایران و تأثیرات آن بر مناطق مختلف.
- سید جعفری، سید امیر، بهشتی مهر، احمد (۱۴۰۰)، *بررسی الگوی اسلامی مشارکت مردمی در مدیریت جامع بحران از دیدگاه امام خمینی (ره)*. نشریه مطالعات مدیریت دفاعی راهبردی. دوره ۵، شماره ۱۹.
- صابری فر، رستم (۱۴۰۱)؛ *پیش بینی احتمال مشارکت شهروندان در مدیریت بحران بر اساس نظریه تخصیص زمان (نمونه موردی شهر مشهد)*. جغرافیایی سرزمین. دوره ۱۹، شماره ۷۶.
- ظفری، حسین؛ ویسی، رضا (۱۳۹۰)، *واکاوی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی به منظور کاهش ریسک سوانح طبیعی (مطالعه موردی: استان تهران-شهرستان اسلامشهر)*. نشریه: مسکن و محیط روستا. دوره ۳۰.



- عموزاد خلیلی، سجاد؛ رشیدی، احمد؛ پیردشتی، حسین (۱۳۹۷)، *بررسی نقش مشارکت مردمی در بهبود عملکرد مدیریت بحران فضای شهری و عوامل مؤثر بر آن از منظر نظریه مشارکت اجتماعی راجرز در شهر بهشهر*. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران. دوره ۸، شماره ۳.
- قانون مدیریت بحران کشور (۱۳۹۸)، مصوب ۱۳۹۸/۵/۲۵؛ ابلاغی ۱۳۹۸/۶/۳ مجلس شورای اسلامی.
- مجیدی، محمدرضا؛ سبزی کریم آبادی، یونس (۱۴۰۱). *جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله تحزب*. دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی. دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۹، فروردین ۱۴۰۱.
- مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی (۱۳۹۸). *بررسی وضعیت لرزه‌خیزی ایران*.
- مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران (۱۳۹۹). *وضعیت خشکسالی در ایران و تأثیرات آن بر بخش‌های مختلف*.
- مهدیه، امید (۱۳۹۹)، *بررسی تأثیر مشارکت مردمی بر عملکرد مدیریت بحران*. نشریه دانش پیشگیری و مدیریت بحران. سال دهم شماره ۲ (پیاپی ۳۶، تابستان ۱۳۹۹).
- نورالهی، بابک (۱۳۹۲)، *نقش مشارکت مردمی در مدیریت بحران (با نگاهی به رویکرد مدیریت شهری تهران در جلب مشارکت‌های مردمی)*، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران‌های طبیعی، تهران